

بحث بر موضوع پایگاه نظامی امریکا و مصاحبه آقای نگارگر!

در مصاحبه محترمه خانم فرزانه فارانی از محترم آقای نگارگر پرسیده است، به نظر شما در مورد طرحی که از طرف مقامات امریکائی مطرح شده چه میتواند باشد، یعنی چگونه حضور دائمی نظامی را در نظر دارند؟ در پاسخ جناب شان مسأله را از سه زاویه به بحث گرفته اند «از نظر پرنسیب، از نظر ارتباط افغانستان با همسایه هایش و از نظر منافع درونی که افغانها دارند».

اینک به ادامه نوشته قبلی خود در باره لزوم دید پایگاه نظامی امریکا در افغانستان و چگونگی مصاحبه آقای نگارگر می پردازم :

۱ - در مسأله پرنسیب : از استدلال آقای نگارگر چنین استنباط میشود که گویا افغانستان نه تنها در منطقه بلکه در سطح جهان بمثابه محور تعادل قدرت و حفظ صلح و ثبات مسؤولیت خاص دارد که بعنوان «بیک منطقه ستراتیژیک خطرناک» به رعایت پرنسیب ها و منشور سازمان ملل متحد می باید پرداخت تا تعادل نسبی موجود منطقه و جهان از هم نیاشد.

جناب نگارگر می فرمایند «اگر پرنسیب را قبول کنیم که واقعا این پایگاهها میتوانند متوجه یکطرف باشد، بنا براین، این ادعای جناب کرزی بی معنی میشود که میگوید افغانستان نمیتواند برضد همسایه های خود پایگاه یک کشور دیگر شود، اگر دیگر روز امریکا از پایگاه نظامی خود از افغانستان راکت های خود را بطرف ایران فیر کردن گرفت ما چه گفته میتوانیم، در آنوقت ما چه صلاحیت و اختیار داریم»

از آقای نگارگر می پرسیم ایا اگر امروز امریکا راکت به ایران فیر کند ما چه کرده میتوانیم ؟

محترم آقای نگارگر، فکر میکند پایگاه حتماً و می باید بر ضد کشوری باشد؟، نخیر میتواند در دفاع از کشور و به نفع صلح جهان هم باشد چنانکه بعد از جنگ دوم جهانی در جاپان، المان، کوریای جنوبی و جاهای دیگر، امریکا از پایگاههای خود علیه کدام کشور دیگری استفاده نکرده بلکه بسیار تاثیر گذار در تأمین صلح هم بوده اما از گفتار شما چنین معلوم میشود که امریکا هیچ جای دیگری را ندارد که اگر بخوهد راکتی به ایران فیر کند باید از خاک افغانستان استفاده کند، در حالیکه برعلاوه از طریق ابهای بین المللی همین اکنون یکصد و سی پایگاه در سراسر جهان دارد و نزدیکترین نقطه پایگاه امریکا به ایران بحرین و عراق است و کشتی های جنگی امریکا، انگلیس و فرانسه در خلیج فارس رفت و آمد دارند.

محترم آقای نگارگر شما که توجه افغانها را به این موضوع جلب میکنید که «اگر منشور ملل متحد را در نظر گیریم اعضای آن حقوق مساوی دارند، یعنی متساوی الحقوق هستند» در حالیکه بواقعیت چنین نیست این حرفها فقط بروی کاغذ است کاش در عمل همینطور می بود زیرا بعضی زورمندان به آن تمکین نمیکند. از آقای نگارگر می پرسیم آیا درک متساوی الحقوق بر اساس منشور سازمان ملل متحد و احساس مسؤولیت داشتن به صلح منطقه و جهان تنها وظیفه مردم و دولت افغانستان است و یا دیگران نیز به عنوان اعضای سازمان ملل متحد به رعایت آن مکلفیت دارند؟ اگر جواب مثبت باشد پس چرا دولت شوروی سابق حقوق مردم افغانستان را رعایت نکرده، ده سال با تجاوز نظامی مردم و کشور ما را بخاک و خون کشید و از آن به بعد هم تا همین حالا از سوی حکومت پاکستان و دخالت های آشکار و پنهان ایران کشور و مردم ما زیر آتش جنگ قرار دارد؟

بدین ترتیب چرا شما پرنسیب ها و منشور سازمان ملل را به رخ دولت های نقض کننده آن نمی کشید، که برخ مردم و دولت افغانستان میکشید؟، آقای نگارگر خود میدانید که مردم و حکومت افغانستان بیش از عمر سازمان ملل بدینسو همیشه پرنسیبها را رعایت کرده و هیچگاه به حقوق مردم کشور دیگری تجاوز نکرده، است. این در مورد پرنسیبها.

دوم «از نظر ارتباط افغانستان با همسایه هایش: آقای نگارگر در باره مناسبات با همسایه ها خواسته نشان دهد که افغانستان یک منطقه بسیار ستراتیژیکی خطرناک بوده و اگر امریکا در نظر دارد در افغانستان پایگاه نظامی تأسیس کند میخوهد «منابع انرژی آسیای میانه و شرق میانه را تحت کنترل آورد» که این طرح «به ضرر همه کشور های منطقه مثل چین، ایران، پاکستان روسیه و حتی هند است و اگر دولت افغانستان اجازه تأسیس پایگاه را به امریکا بدهد دولت های منطقه را «تور میدهد» و آنگاه خدای ناخواسته طوفان نوح و صحرای محشر برپا شده اینهمه رفاع همگانی، عدالت اجتماعی و صلح منطقه از بین خواهد رفت، در حالیکه از سی سال بدینسو طوفان جنگ و خشونت در کشور ما برپاست و در منطقه نیز کم و بیش در جریان است. مگر عامل جنگ و بحران

افغانستان را، به «کنترول انرژی: منطقه از سوی امریکا نسبت دادن درست نخواهد بود، چرا در ارتباط به ضرورت پایگاه امریکا از مسأله تروریزم که از آن بابت پای بیش از چهل کشور در افغانستان کشیده شده است سخن گفته نمیشود و چرا از اهداف شوم پاکستان و ایران و دست داشتن شان در جنگ و بحران ذکری بعمل نمی آید و یا بسیار کم از آن سخن گفته میشود. بقول جناب محترم انجنیر نجیب داوری، آقای نگارگر بجای اینکه بفکر راه و چاره بحران کشور خود باشد بیشتر در غم همسایه هاست که از تاسیس پایگا های امریکا در افغانستان ضرر و زیانی متوجه شان نشود که «تورنخورند»

در مورد انرژی منطقه باید گفت آیا لحظه ای درین باره فکر شده است که اگر نفت و گاز منطقه آسیای میانه و تولیدات اموال ارزان قیمت چین را امریکا و کشورهای غربی خریداری نکنند آنها متعای خود را در کدام بازار خواهند فروخت؟ آقای نگارگر، مسأله انرژی مشکل اساسی امریکا و قدرتهای بزرگ جهان نیست بعد از فروپاشی نظام شوروی مشکل اساسی امریکا و ناتو مسأله تروریزم جهانیست که مهمترین پناه گاه و حامی آن پاکستان شناخته شده است، اگر کسانی توجه را از این مسأله به موضوع انرژی می کشانند، آگاه و یا ناخود آگاه در دفاع از موضع شوم پاکستان و ایران قرار میگیرند.

سوم «از نظر منافع درونی که افغانها دارند» :

در هر قسمتی که از آقای نگارگر سوال شده سخن پرنسیب را پیش کشیده و به زعم جناب شان بخاطر «تورنخوردن» دولت های همسایه مخالفت خود را به تاسیس پایگاه امریکا در افغانستان ابراز داشته اند و فرموده اند «افغانستان از خود اقتصاد مستقل ندارد و به هر طرف دست ما دراز است مجبور هستیم که با هر طرف یک قسم مناسبات کجدار و مریز داشته باشیم تا از کمک های آنها بهره برده بتوانیم، تا آنوقت که همین افغانستان گدای امروز نباشد و خود بتواند یک اقتصاد ملی در منطقه بوجود بیاورد و بازار کشورهای همسایه خود نباشد، در آن صورت واضحست که موقف کشورهای همسایه نسبت بما تغییر میخورد.»

جناب نگارگر از سیاست کجدار و مریز نام برده اند ولی نگفته اند این چگونه سیاستی است و تا چه زمان میتوان آنرا دنبال نمود و چه زمان و با چه پلانی به اقتصاد ملی میتوان دست یافت، با چه روشی می شود مانع عملیات تروریستی طالبها شد و از چه طریقی میتوان همسایه هایی را که در ظرف سی سال دست از دخالت شان در امور کشور ما بر نداشته اند راضی شان نمود که دیگر دست از سرما بردارند و از خاک ما بمثابه پایگاه تروریستی علیه کشورهای دیگر استفاده نکنند؟ و بالاخره باید گفت چگونه پس از چهار سال باقی مانده به خروج کامل قوای خارجی بدون پایگاههای نظامی امریکائی امنیت را در افغانستان تأمین نمود که سرمایه داران داخلی و خارجی بتوانند در بخشهای مختلف تجارت و صنعت سرمایه های شانرا بکار اندازند و کشور به اقتصاد ملی برسد و متکی بخود شود؟

اکنون بصورت جمعبندی و نکته وار باید گفت:

۱ - کشور ما در چه شرایطی قرار دارد، متحدین ستراتیژیک ما در سطح منطقه و جهان کدام ها اند؟ زیرا هر دولت و ملتی برای ثبات و بقای خود بیش از هر چیز نیاز به برقراری امنیت دارد.

۲ - واقعیت تلخ اینست که کشور ما در چندین سال جنگ های داخلی و خارجی ویران و به دشت و بیابان مبدل گردید و همه دار و ندار و ارزش های که لازمه حفظ ثبات و ادامه حیات بود از میان رفت، در طی ده سال اخیر هم با وجود حمایت همه جانبه امریکا و دولت های ائتلاف بین المللی هنوز به هیچوجه در برابر تهدیداتی از خارج و داخل قادر به دفاع از خود نیستیم، دولت افغانستان از لحاظ اقتصادی حتی قادر به پرداخت معاشات کارمندان خود نیست چه رسد به پرداخت معاشات و مصارفات اردو و پولیس ملی که دستکم سالانه به یک و نیم میلیارد دالر میرسد.

۳ - فساد اداری و رقابت درمیان گروه های قومی شامل در تمام نهاد های دولت در حدی محسوس و قابل درک است که مثلاً همین دعوی که برسر کسب چوکی ریاست ولسی جرگه برافراشته، اگر ترس نیروهای خارجی بالای سر جنگسالاران نباشد بلا معطلی دست به سلاح برده و چون زمان حکومت برهان الدین ربانی حمام خون بر پا میکنند.

۴ - دولت های همسایه که در ظرف سی سال دشمنی شان با ما ثابت شده است، هرکدام از لحاظ اقتصادی و نظامی نسبت بما قویترند، ایران سالانه تنها از درک فروش نفت و گاز بیش از هفتاد میلیارد دالر عواید دارد و دارای اردوی ششصد هزار نفری و مجهز با سلاح های مدرن است، خود توان تولید راکت هایی با برد ۲۰۰۰ کیلو متری را دارد .. پاکستان با اردوی یک میلیونی و نیروی هوایی با طیارات اف ۱۶ و سلاح های زروی مجهز است و هر دو دولت هر آن تلاش دارند تا هر طور شده نفوذ و حاکمیت شان را بر کشور و دولت ما تحمیل نمایند.

لذا هر فرد آگاه و دلسوز کشور این سوال را از خود بنماید که آیا بعد از چهار سال باقیمانده از برگشت کامل قوای خارجی از افغانستان مردم و دولت ما به تنهایی در برابر تهدیدات همه جانبه همسایه ها بخصوص پاکستان و ایران قادر به دفاع از خود هستیم؟ و آیا ما بیشتر از امریکا به پایگاه های نظامی آنکشور در خاک خود نیاز داریم و یا خیر؟

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر 2